

## عنوان مقاله:

بررسی انگیزه های نقد خویشتن در دیوان حافظ

## محل انتشار:

پژوهشنامه ادب غنایی، دوره 15، شماره 29 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

## نویسندگان:

مهرداد نصرتی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

یدالله جلالی پندری - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

## خلاصه مقاله:

خودانتقادی یا نقد خویشتن قسمی از نقد ادبی است که در آن، پدیدآور، در جایگاه منتقد اولیه، اثر، روش، نگرش و یا شخصیت ادبی خویش را تحلیل و بررسی می‌کند. در عرصه ادبیات، نقد خویشتن انواع مختلفی دارد و انگیزه های متفاوتی موجب آن می‌شود. اگر انگیزه خودانتقادی درون خود پدیدآور باشد، نقد خودانگیخته و اگر انگیزه بیرون از او باشد، نقد دگرانگیخته است. حافظ شاعری است که پیوسته در اشعارش به نقد خویشتن پرداخته است. مطالعه آثار او از این منظر، دریچه جدیدی را بر روی حافظ‌پژوهان می‌گشاید. در پژوهش حاضر که مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی-توصیفی انجام می‌شود، تلاش شده تا با استفاده از شواهدی که از دیوان حافظ به دست آمده، انگیزه‌هایی که شاعر را به نقد خویشتن واداشته، بررسی شود. به نظر می‌رسد حداقل برخی از اصلاحاتی که حافظ در اشعار خود به کار بسته و باعث ایجاد اختلاف نسخ در اشعار او شده نیز، حاصل خودانتقادی باشد و این خودانتقادی ها بر رفع عیوب آثار، ارتقای متن و افزایش جذابیت اشعار نزد مخاطبان موثر بوده است. خودانتقادی های حافظ هم از نوع خودانگیخته و هم از نوع دگرانگیخته بوده و عواملی مانند وجود کاستی در فحوای سخنان پیشین او و یا اظهار نظرهای سخن‌ناشناسان مدعی موجب آنها بوده است.

## کلمات کلیدی:

نقد خویشتن، خودانگیختگی، دگرانگیختگی، حافظ، منشاء اختلاف نسخ

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/860946>

